

خیلواکی



استقلال

www.esteqtaal.net

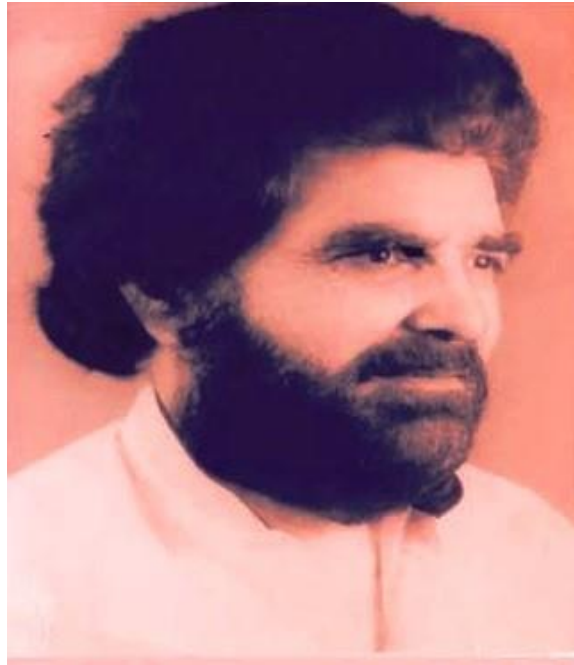
جمعه ۱۱ نوامبر ۲۰۲۲

محمد حیدر اختر

انتخاب و ارسال: سلیم سالم

یادواره مختصری از شادروان غلام نبی خاطر

نامه نگار، شاعر مردمی و متعهد



زاد روز شادروان غلام نبی خاطر ۱۲ حوت سال ۱۳۱۴ خورشیدی در ده افغانستان کابل می باشد. پدرش حاجی غلام محمد یوسفزی مشهور به امین نظام (یکی از رتبه های نظامی وقت) نام داشت. پدر خاطر با خانواده از کابل به ولایت بغلان رهسپار شدند، بنأ خاطر تحصیلات متوسطه را در مکتب متوسطه فابریکه قند ولایت بغلان به پایان رسانید و بعداً به کابل آمده و شامل مکتب حربی شد. قید و بند عسکری به مزاج خاطر برابر نبود زیرا طبع آزاد منشانه داشت. با تحمل مشکلات

زیاد اداری، مکتب حربی را ترک نموده و پیشه خبرنگاری در روزنامه انیس را بگزید و در پهلوی وظیفه خبرنگاری همکاری اش را منحیث گوینده زبان دری در رادیو کابل وقت پیش می برد.

در سال هایی که به دهه ای دموکراسی شهرت دارد، خاطر توانست نخستین نشریه ملی و غیر دولتی را به نام (پیام امروز) با روحیه ملی و عدالت خواهانه در مقابل استبداد و نژاد پرستی انتشار بدهد که با نخستین شماره اش طرف توجه علاقمندان آزادی خواه و طرفداران دیموکراسی واقع گردید. زیرا پیام امروز آواز و ندای اکثریت خاموش جامعه، یعنی قشر غریب و بی نوا و کارگر بی مزد و کم مزد بود. واضح است که چنین نشرات رژیم حاکم را خوش نیامد. بنا جریده پیام امروز مصادره و ناشر آن یعنی غلام نبی خاطر راهی زندان گردید.

در زندان خاطر تنها نبود زیرا شخصیت های علمی و فرهنگی فروانی عقب میله های زندان قرار داشتند که از آن جمله می توان از انجنیر محمد عثمان نام برد.

بعد از رها شدن از زندان خاطر دوباره خواست صدای مظلومین وطنش را بلندتر و رساتر به گوش دولتمداران برساند و در صدد احیای يك نشریه شد و درخواست جواز روزنامه یی را به نام (فردا) به دولت داد این بار عمال دولت با نام نشریه مخالفت نموده و کلمه ای فردا را ایرانی نامیدند!

پرچمی ای پر چمی!!!

پرچمی ای پرچمی
پرچمی ای پرچمی
خانۀ جَنَد شد
پرچمی ای پرچمی
عامل رنج و مَخَن
پرچمی ای پرچمی
دشمن انسان کَوَلی

پرچمی ای پرچمی
با تپامسی با فساد
پرچمی ای پرچمی
بی حسیا و نسیپس
پرچمی ای پرچمی
ساخته از دست تو
پرچمی ای پرچمی
کشتی خلق بی گنه
پرچمی ای پرچمی
بزرده روس کتیف
پرچمی ای پرچمی
فتنه و المسونگری
پرچمی ای پرچمی
هستی شافل بی جهت
پرچمی ای پرچمی
سازمانها صف نصف
پرچمی ای پرچمی
بر سر هر سر کلاه
پرچمی ای پرچمی
برهنه امریکای تو
پرچمی ای پرچمی
در بی آن قتل و خون
پرچمی ای پرچمی
فتنه آخر زمان
پرچمی ای پرچمی
عضو تکنوری خود
پرچمی ای پرچمی
جست رامن می کنی
پرچمی ای پرچمی
کاتل انسانیت
پرچمی ای پرچمی
از شرافت بی نصیب
پرچمی ای پرچمی
بی خدای بی کتاب
پرچمی ای پرچمی

گوش خود را کر زده خوش میخوری با بی غمی
کولرا هستی و طاعون و بلای اعظمی
مملکت از دست تو ویرانه و برباد شد
میبری لختت ز ویرانی و برهم در همی
مايه اصلی بسدختی و آلام وطن
با شعار کاتب هضم زیستی با همی
در لبان هموطن خصم و بلای جان توئی

تسرم دارد از وجودت نام پاک آدمی
تو همان هستی که دادی نام و ننگ ما به باد
موجب شرمندگی ما به روی عالمی
بی خدای و بی ضمیر و ظالم و حق ناشناس
در پی تخریب و حشمت دشمن مستحکمی
بیشتر از یک دهه مردم به خون خود وضو
رخت بریست از بساط شان نشاط و خرمی
تو به فرمان مشاوران بست روسیه
دمه دار کشتن و قتل و قتل بیهمی
پرشد از دست تو زندان ها از افشارد شریف
تا شدی خرد و خمیر از جمله های رستی
بایلان تازه و آش از جنگ زرگری
کرده ای بریا گزوه بیرکی و اسلمی
نیست فرق خلق و پرچم در نهاد و ماهیت
هر دو یک حزب است و ضد عنعنات مردمی
پول و افشارداری و امکان کامل هم به کف
بی خط در بین هندو و مسلمان مسد غمی
دی سگ کسی جی بی و امروز جاسوس سیاه
شرق و غرب حیران ز تو از بس محیل و پُرچمی
ای محیل آخر چه شد هوراکتیدن های تو
عائق دالدر شدی یا کاتر اب ریشمی
کاسه لیمسی می کنی در خونان غربی ها کلون
که غزل سر میدهی در وصف شان گه بیرمی
نیست تشکیلی که پای تو نیاید در میان
غده نانتقا و تومور سردرگمی
جا به جا کردی قزارای های دستوری خود
زیر نام تاجدر و سوداگران دایمی
گاه طرح جرگه و شورا و مجلس می کنی
گاه در تجویز فدالی تو داری محکمی
دشمن ملی گراها دشمن هر شخصیت
خصم نامزد شهیدان فقید و عالمی
می دهی دشنام پرچم را به منظور فریب
در پی اغوای افکار شریف مردمی
فتنه هایت بی شمار و حيله هایت بی حساب
"خامسر". آواره کی دارد ز دستت بی غمی

خاطر به عوض اسم فردا کلمه سبا را برگزید که باز هم (فردا معنی می دهد) و درخواستی به نام جریده سبا به مقامات مطبوعات افغانستان فرستاد که خوشبختانه پذیرفته شد و اجازه نشرات را دریافت نمود. نشرات نشریه سبا با کودتای نیمه کمونیستی سردار محمد داود که قانون آزادی مطبوعات را لغو قرارداد مانند سایر نشرات آزاد از نشر بازماند.

طوری که همه می دانند با کودتای نامیمون هفت ثور که ابر تاریک ونحسی بر فراز کشور پرده کشید و رژیم دست نشانده برای بقای خود دست به بگیر و ببند و بکش آغاز نمود، احمد فهیم خاطر فرزند بزرگ غلام نبی خاطر نیز دستگیر و راهی زندان شد و خاطر نیز مجبور به مخفی شدن گردید.

در ششم جدی سال ۱۳۵۸ زمانی که قشون سرخ اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی سابق، ببرك كارمل را سوار بر میله ای تانک های روسی وارد ارگ نمودند و دور دیگری از تاریخ سیاه کشور آغاز گردید و این بار خاطر نظر به سابقه مخالفت سیاسی با باند دموکراتیک خلق- پرچم و بالخصوص با شخص ببرك كارمل، شاه شجاع روسی داشت که در سال ۱۳۴۸ خورشید خود را در مقابل کارمل کاندید پارلمان نموده بود، مجبور به ترك خانه و کاشانه اش گردید و عازم پاکستان شد.

فضای سیاسی در پاکستان چنان بود که جای پای برای شخصیت های ملی و وطن دوست خیلی تنگ می نمود و دستگاه استخبارات پاکستان (آی، اس، آی) مخالفت شدید با روشنفکران افغانستان داشت و نمی خواست که روشنفکران با تنظیم های جهادی کار نمایند. ازین رو خاطر عازم ایران گردید و با جناب بنی صدر ملاقات نمود و بار دیگر دریافت که همسایه های ظالم تنها برای آنانی کمک می نمایند که برای منافع آن ها کار کنند و خاطر نا امید از همسایه ها راه هند سرزمین دیموکراسی را در پیش گرفت.

خاطر در سال های ۱۳۵۹ وارد هند شد و کوشش نمود تا زمینه های برای کار سیاسی بجوید که بدبختانه حکومت کانگرس هند به رهبری خانم اندرا گاندهی با دولت دست نشانده روس در کابل و حکومت اتحاد جماهیر شوروی سابق تعلقات نیک داشتند با وصف آن هم چون يك حکومت دیموکراتیک و جامعه آزاد برای بیان عقائد بود، بعضی حرکات سیاسی چون تظاهرات، نشر جراید و کتاب امکان پذیر بود.

اقامت در هند برای افغان ها داشتن ویژه ای قانونی از طرف دولت هند ضرورت مبرم بود و هند برای افغان ها بیشتر از سه ماه ویژه نمی داد و هر سه ماه بعد باید ویژه تمدید می گردید.

نظر به تقاضای سفارت افغانستان در دهلی جدید، مسئولین دولت هند از دادن ویزه و تمدید آن به خاطر اباً ورزیدند.

در سال ۱۳۶۰ خاطر با چند تن از افغان هایی که هند را برای اقامت و کارهای سیاسی بر ضد دولت کابل و روس انتخاب کرده بودند، با دولت هند به مشکل مواجه شد و مجبوراً به دفتر ملل متحد در هند پناه برد. که در نتیجه ایشان را به حیث مهاجر افغان در هند پذیرفتند و دولت هند نیز نتوانست خلاف قانون اساسی اش عمل کند و ایشان را از هند بیرون براند.

کارنامه های سیاسی و فرهنگی خاطر در هند:

به راه انداختن تظاهرات ضد اشغالگری روس در افغانستان، ایجاد اتحادیه ها و انجمن های افغانی و به راه انداختن تظاهرات، نشر نشریه ها و پوستر و کتاب از جمله کار های سیاسی و فرهنگی و همچنان راهجویی برای تعلیم و تربیت جوانان و اطفال افغان های مهاجر شده در هند.

راه جویی و زمینه سازی جایگزین نمودن مهاجرین به کشور های امریکا کانادا آسترلیا و جرمنی توسط انجمن و ترست زنان مهاجر به سرپرستی خانم جناب خاطر، مرحومه بانو رحیمه خاطر.

از جمله کارهای فرهنگی خاطر می توان از نوشتن و نشر کتاب تاریخ سال های غم انگیز افغانستان نام برد، همچنان مجموعه شعری از اشعار مقاومت که به همکاری انجمن زنان مهاجر افغان در هند به چاپ رسید و تا امروز مورد تمجید هر افغان با وجدان و وطنپرست می باشد.

خاطر هم زمان با کارهای فرهنگی خودش همکار قلمی دایم جریده صدای زن در هند بود که توسط انجمن زنان مهاجر در دهلی جدید به نشر می رسید و خانم رحیمه خاطر مدیر مسؤل آن جریده بودند.

خاطر در دوران اقامتش در هند بجرم فعالیت های ضد روسی و رژیم دست نشانده اش در کابل بیشتر از ۱۷ بار راهی زندان شده، بیشتر از ۸۰ بار به امر دولت و پولیس هند در خانه نظریند بوده است.

بعد از هشت و نیم سال اقامت در هند خاطر نظر به فشار دولت هند و دفتر ملل متحد در دهلی جدید مجبور به ترك کشور هند می گردد این بار از جبر روزگار بدان سوی اقیانوس اطلس و دورتر از کشور آبابی اش در امریکای شمالی در ملك کانادا هجرت می نماید و با چشمان نمناك و دل پُر ز حسرت و درد مصراع های شعرش را زمزمه کنان وارد شهر تورنتوی کانادا می گرد.

آن روز میرسد که کنم سرمه چشم خویش

از خاک راه کوچه و پس کوچه های تو

کابل چنان گریه کند دل برای تو

که آخر بمیرد از غم تو در قفای تو!

کار های فرهنگی خاطر در کانادا از همان ماه های اول که وارد تورنتو شد آغاز گردید. برای مدتی نشریه ای را زیر نام سبا در تبعید نشر می کرد که در آن وقت کار ساده نبود. نداشتن امکانات طباعتی و حروف فارسی برای ناشران نویسندگان و دست اندرکاران فرهنگی نهایت دشوار می نمود، با وجود آن همه مشکلات طباعتی نشریه سبا در تبعید توانست پیامش را با استفاده از یک پایه ماشین تایپ و فوتوکاپی به هموطنان مقیم تورنتو برساند. بعد از مدتی و بلد شدن در محیط کانادا نشریه سبا در تبعید توانست بشکل مجله ای ماهوار از طبع برآید. در ماه اپریل ۱۹۹۱ میلادی خاطر توانست اولین برنامه رادیویی اش از شهر اوکوویل انتاریو را بگوش هموطنان باشنده ای ایالت انتاریو برساند. پروگرام رادیویی آواز سبای افغانستان هفته وار نشر می گردید و تا سال های ۱۹۹۶ میلادی فعال بود.

در دوران اقامت در شهر تورنتوی کانادا خاطر همکار رادیویی اتحادیه افغان های مقیم انتاریو بود برنامه رادیویی هفته وار اتحادیه را با چند تن هموطنان عزیز دیگر چون جناب داکتر صاحب دانشور پیش می بردند.

با حمله ۱۱ سپتامبر بر امریکا و بعداً حمله امریکا بر طالبان و تغییر نظام طالبانی در افغانستان اوضاع کم کم بهتر شد و حکومت انتقالی جناب کرزی روی کار آمد. این جاست که خاطر دوباره به زادگاهش بر می گردد و به یکی از ارمان های دیرینه اش که دیدار وطن آبایی و زادگاهش است میرسد.

در آن جا نیز خاموش نمی ماند و با همه دست اندرکاران فرهنگی و سیاسیون در کابل در تماس بوده و زمینه های همکاری را برای بازسازی افغانستان جستجو می نماید که در نتیجه همکار چند پروژه خیریه و همکار وزارت اطلاعات می گردد.

خاطر در انتخابات دور اول ریاست جمهوری جناب کرزی را در کامپاین انتخاباتی ولایت کابل یاری می نماید. البته جمله زیبایی را با کمال صداقت با مردم در میان می گذارد و می گوید:

« در این انتخابات خوب اصلاً وجود ندارد، تنها بین بد و بدتر می توانیم یکی را انتخاب کنیم و در جمع کاندیدان کرزی انسان بد است! »

خاطر تا آخرین لحظه که مرض یادفرااموشی و خونریزی مغزی عاید حالش گردید و در نتیجه همه چیز فراموشش شد و هیچ چیز به یادش نماند، دست از سعی و تلاش برای وطن و مردم برنداشت.

بالاخره این شخصیت نستوه، آزاد و روشنگر به روز پانزدهم جنوری سال ۲۰۱۹ میلادی داعی
اجل را لبیک گفت . خداوند بیامرز دش روانش شاد باد.

یادداشت

- در این نوشته از یادداشت های جناب محترم جاوید جان خاطر، پسر شاد روان غلام نبی خاطر
نیز استفاده شده است.

_نمونه کلام شاد روان خاطر شعر معروفش تحت عنوان پرچمی ای پرچمی انتخاب شده است

استقلال- خپلواکی: از همکار محترم جناب سلیم سالم سپاسگزار هستیم که اصل شعر و نوشته را
برای ما ارسال داشتند. در نشر شعر تعدادی از علاقمندان مشکل داشتند که گویا شعر با خط میده
نوشته شده است که در مطالعه مشکل ایجاد میکند. خدمت آن دوستان باید عرض کرد که شعر مذکور
از همین نوشته پربار گرفته شده بوده است که بصورت "سکن" است و نمی شود آنرا اصلاح نمود
و یا خواناتر و بزرگتر ساخت، اما با کلیک بر روی آن شعر هر خواننده می تواند آنرا بزرگ و
بزرگتر بسازد. کم ما و کرم شما. یاد شادروان خاطر هم گرامی و روان شان شاد باد!

مرد نمیرد به مرگ، مرگ از او نام جست

نام چو جاوید شد، مردنش آسان کجاست